

- نقش معماری در پرورش فکری
- مراکز کودکیاری
- مراکز تربیتی
- مراکز اجتماعی مدارس
- معرفی موسسات پرورشی موفق امریکا

معماری و پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نشریه شماره ۳۳، تابستان ۱۳۷۴



پیشگفتار

بزودی سال تحصیلی دیگری آغاز می شود و کودکان و نوجوانان ما بار دیگر راهی کودکانها، دبستانها و دبیرستانها خواهند شد. آیا این فضاها دقیقاً برای کودکان و نوجوانان طراحی شده اند و آیا پاسخگوی نیازهای جسمی و روانی آنها هستند؟

کودکان و نوجوانان ما به تفریح، سرگرمی و انواع پرورشهای فرهنگی و هنری نیز نیاز دارند. آنها را راهی چه محیطهایی خواهیم ساخت؟ آیا این محیطها موجب باروری فکری، احساسی و اجتماعی آنها خواهند شد؟

کودکان و نوجوانان دیگری نیز در کنار ما هستند که داستان زندگی آنها به هر دلیل با آسیبهای فراوان طی شده است و متأسفانه به بزهکاریهای مختلف کشیده شده اند. برای این قشر چه کرده ایم تا به جامعه بازگردند و سلامت خود را بازیابند؟ چه فضاهایی اندیشیده ایم و چه شاخصهایی پی افکنده ایم؟

این نشریه بر آن است تا در حد توان به این زمینه ها نزدیک شود و با ذکر نظرگاه هائی درباره نقش معماری در پرورش فکری کودکان و نوجوانان، قدمی در راه توسعه و بهبود فضاهای ویژه این نسل سازنده فردا بردارد. امید است که رهنمودهای این مهندسين مشاور در راه پرورش انسانهای سالم و ساختن جامعه و شهرهای سالم، مفید واقع شود.

سعید شهیدی

مدیر بخش تحقیقات و مطالعات

فهرست مطالب

عنوان

.....	مقدمه
.....	نقش معماری در پرورش فکری کودکان و نوجوانان
.....	مراکز کودکیاری: احساس امنیت و پناه
.....	مراکز تربیتی: هدایت به کانونهای فرهنگی/ هنری
.....	مراکز اجتماعی در مدارس: نزدیک شدن به والدین
.....	موسسه ابتکارات و پیش مدرسه Lucy Daniels: تناسب، وقار و آرامش
.....	مرکز پرورش کودکان Coring: تخیل، تنوع و تحرک
.....	مدرسه West Middle: سادگی، انتظام و وضوح
.....	مدرسه ابتدایی Coring A.Seeds: پیچیدگی، تضاد و جذابیت
.....	موسسه حمایتی Barton E.Green: محیطی صمیمی و منزلوار
.....	نتیجه گیری

مقدمه

اخیراً در پژوهشهای کارشناسی، اجلاسهای اجتماعی و گردهماییهای معماری، موضوع بسیار جدیدی مورد بحث قرار گرفته است که روش طراحی برای کودکان و چگونگی فراهم کردن مناسبترین محیط برای رشد جسمی و فکری آنها است. رشد بیش از پیش جمعیت کودکان و برخی خبرهای اسف بار از وضعیت ناهنجار کودکان فرودست، سبب شده تا دولتها بتدریج ارگانهای ویژه‌ای برای رسیدگی به امور آنان تاسیس کنند. در این میان، معماری و ساختن فضای مناسب برای کودکان می‌تواند موثرترین نقش را در آسایش بخشیدن به محیط رشد و فراهم آوردن رفاه مادی و معنوی آنان داشته باشد. این تحولات و اندیشه‌ها، معمایی را برای معماران به وجود آورده است: چگونه می‌توان بهترین فضا را برای کودکان، این آسیب‌پذیرترین قشر جامعه طراحی کرد؟

همان‌گونه که طراحی فضاهای ویژه سالخوردگان و معلولان مبتنی بر پژوهشها و استانداردهای خاصی است، برای مدارس، کودکانستانها، مراکز کودکانی و دیگر محیطهای مخصوص کودکان نیز می‌بایست از نوعی معماری استفاده شود که مطابق خصوصیات و روحیات آنها طراحی شده باشد. کارشناسان معتقدند فضای زندگی کودکان باید موجب باروری جسمی، فکری، احساسی و اجتماعی آنان شود.

معماران که آغاز به طراحی فضاهای ویژه کودکان می‌کنند، درخواهند یافت که طراحی برای کودکان با رنگ آمیزی و نقاشی دیوارها پایان نمی‌یابد. طرح می‌بایست مبتنی بر تحقیق باشد و با دیدی علمی به آن نگریسته

شود. مراکز کودکیاری به معماران توصیه می‌کنند که بر زانوان خود راه بروند تا جهان را از دیدگاه کودکان ببینند و اگر طرحی می‌دهند، از خود بپرسند اگر من کودک بودم، از آن راضی بودم یا نه؟ به عبارت دیگر، معماران، همان‌طور که با کارفرمایان در مورد طرح و نیازهایشان بحث و مذاکره می‌کنند، باید با کارفرمایان کوچک خود نیز مشورت کنند. به همین دلیل، گروه‌های ویژه طراحی کودکان معمولاً طیفی وسیع از معماران، کارشناسان محیط زیست، روانشناسان، مددکاران، نمایندگان محلی و حتی خود کودکان را دربر می‌گیرند تا حاصل کارشان از بهترین کیفیت برخوردار شود.

جمهوری اسلامی ایران با گذشت هفده سال از انقلاب اسلامی که هشت سال آن در جنگی تحمیلی طی شده، اینک مسیر ویژه‌ای را به سوی استقلال و خودکفایی می‌پیماید. بسیاری از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به تحقق پیوسته و بسیاری دیگر نیز در آستانه اجرا و بهره‌برداری یا آماده‌سازی قرار دارند. اما بیراه نیست اگر بگوییم نظام آموزش و پرورش و مقوله طراحی فضاهای مناسب برای این امر بسیار مهم و حیاتی کشور، هنوز در جامعه ما از توجه و کیفیت‌والایی که شایسته آن است، برخوردار نیست و بسیار راه‌های ناپیموده داریم که باید طی کنیم.

نظام آموزش و پرورش ایران با جمعیت تحصیلی حدود ۱۶ میلیون نفر، جمعیت زیر ۶ سال ۱۱/۵ میلیون نفر و افزایش سالانه ۱/۵ میلیون کودک در سن ورود به مدرسه، شایسته توجه بیش از این است و این در حالی است که هنوز حدود ۱/۸ میلیون کودک بالای ۶ سال نتوانسته‌اند

به مدرسه راه یابند. همچنین به یاد داشته باشیم که نرخ رشد گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ سال در جامعه ما، حدود ۴/۷٪ در سال است؛ یعنی تا ۱۵ سال دیگر، ارقام فوق دو برابر خواهد شد که این میزان، بجز معلم، نیاز به فضاهای آموزشی و پرورشی مناسب نیز دارد؛ اما ایجاد تعادل بین جمعیت تحصیلی و امکانات لازم، تن دادن به احداث یا بهره برداری از مدارس غیراستاندارد نیست. مدتی است که وزارت آموزش و پرورش برای رفع این معضل، تصمیم به گسترش مدارس غیرانتفاعی گرفته که متأسفانه اغلب در هر فضایی (حتی منازل مسکونی) و بدون رعایت اولیه ترین اصول آموزشی و استانداردهای لازم معماری، از پی هم تاسیس می‌شوند. ولی آیا گسترش چنین مدارس خواهد توانست مشکل اصلی را کاهش دهد، بدون این که مشکلات دیگری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی ایجاد کند؟

در این نشریه با هدف نزدیک شدن به این زمینه بسیار مهم معماری و درک بهتر ابعاد گوناگون ملی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، ابتدا به ذکر نظرگاههایی درباره نقش معماری در پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌پردازیم؛ سپس همراه با گزارشهایی از واقعیت‌های تلخ زندگی نابسامان بسیاری از کودکان بی‌پناه جهان، چند مجتمع آموزشی و فرهنگی موفق را از نظر می‌گذرانیم و در انتها نیز، دیدگاههایی را به منظور توسعه و بهبود این فضاها در جامعه خود ارائه می‌دهیم. امید که برای بهتر زیستن کودکانمان، این سرمایه‌های بی‌کران و نسل‌سازنده فردای اجتماع، مفید واقع شود.

بخش شهر سالم

مهندسین مشاور ره شهر

نقش معماری در پرورش فکری کودکان و نوجوانان

به نظر می‌رسد نوع بشر توسط سه گونه آموزش و پرورش احاطه شده است: رشد داخلی حسها و اعضایمان، آموزش و پرورش طبیعت است؛ چگونگی استفاده از این رشد، آموزش و پرورش انسانها است و دانشی که به وسیله تجربه‌های شخصی در مورد اشیاء کسب می‌کنیم، آموزش و پرورش اشیاء است. از این سه، آموزش و پرورش طبیعت در اختیار ما نیست و آموزش و پرورش اشیاء نیز فقط از برخی جنبه‌ها در اختیار ما است؛ اما آموزش و پرورش انسانها تنها مسیری است که کاملاً در اختیار ما قرار دارد و چگونگی استفاده از آن در راه پیشرفت و تعالی جامعه و بهره‌وری در تولید به خود ما باز می‌گردد.

آموزش و پرورش واقعی به تمرین، بیش از پند و اندرز نیاز دارد. ما با آغاز زندگی، آموزش را نیز آغاز می‌کنیم و از همین رو است که عبارت آموزش و پرورش، نزد باستانی‌ان مفهوم شیر و غذای کودک را می‌داد. اما امروز حوزه‌های مختلف زندگی، آنقدر پیچیده شده‌اند که نیازمند تفکیکی دقیق بین این تعاریف هستیم.

بد نیست ابتدا میزان توجه معمول خود به کودکانمان را بسنجیم: کودک، نخستین سالهای عمر خود را با گریه، تمنا و جنب و جوش می‌گذراند که ما برای آرام کردنش، گاه او را تکان می‌دهیم، گاه نوازش می‌کنیم، گاه تنبیه می‌کنیم و گاه نیز به میل او رفتار می‌کنیم. به عبارت دیگر، یا خود را تسلیم تفتن‌های او می‌کنیم و یا برعکس. حد وسطی وجود ندارد. او یا باید دستور دهد و یا دستور بگیرد. به این ترتیب، نخستین افکار

این کودک، یا مملو از اندیشه‌های تحکم آمیز خواهد شد و یا اطاعت‌های کورکورانه. بنابراین کودک قبل از زبان باز کردن، یاد می‌گیرد که فرمان دهد و پیش از آن که قدرت عمل داشته باشد، اطاعت بی‌دلیل را می‌پذیرد. گاه نیز قبل از آن که بتواند اشتباهش را بشناسد و یا اصولاً مرتکب اشتباهی شده باشد، تنبیه می‌شود.

کودک، شش یا هفت سال از عمر خود را به این شکل در دست‌های ما می‌گذراند و قربانی عدم شناخت ما از جهان او می‌شود. سپس بعد از این که ذهنش پرشد از کلماتی که نباید بشنود و یا چیزهایی که به دردش نمی‌خورند و پس از این که احساسات طبیعی‌اش به وسیله هیجان‌های کاذبی که در او ایجاد کرده‌ایم، خفه شد، این موجود مصنوعی را به دست معلم می‌سپاریم تا رشد بذرهای نادرستی را که قبلاً درون او کاشته شده، تکمیل کند و در فضاهایی به نام مدرسه که هیچ تناسبی با طبیعت او، خواسته‌های او و تخیلات او ندارند، همه چیز را بجز خودشناسی، استفاده از تواناییهای خود و هنر زندگی و ارتباط جمعی به او بیاموزد و او پرورش یابد؛ و بالاخره اگر به امور او توجه نکرده باشیم، وقتی این کودک به نوجوانی فاقد درک و ذوق سلیم بدل شد، با کور کردن خلاقیت‌های مستعد او در جامعه‌ای که کم و بیش، هیچ‌امکانی، فضایی یا حتی استاندارد برای آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی کشور قائل نیست، گام بعدی را در مسخ او برمی‌داریم و از او توقع پیشرفت و تعالی فرهنگی نیز داریم.

عبارت «آموزش و پرورش» و واژه «فرهنگ»، هم از لحاظ معنای لغوی و هم از نظر مفهوم و کارکرد، ارتباط تنگاتنگی دارند. آنچه تاکنون در

تمامی تعریفهای فرهنگ مشترك است، این است که فرهنگ، مجموعه الگوهای اجتماعی رفتار یا عادات و تواناییهایی است که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند. به عبارت دیگر، مفهوم فرهنگ از يك سو، مستلزم تراکم تجربه‌های آدمی در زندگی به عنوان میراث يك قوم یا اقوام است و از سوی دیگر، مستلزم افرادی است که برای زیستن باید این میراث را از آن خود کنند و آن را بارور سازند.

از جمله تعریفهای متعدد و مشهور آموزش و پرورش نیز این است: اعمالی که نسلهای بالغ بر روی نسلهایی که هنوز برای زندگی اجتماعی به حد بلوغ نرسیده‌اند، انجام می‌دهند و غرض از آن، برانگیختن يك رشته پیشرفتهای جسمانی، عقلانی و اخلاقی در کودک، با توجه به جامعه‌ای است که او برای زندگی در آن آماده می‌شود. چنان‌که دیده می‌شود، آموزش و پرورش از جامعه و بنابراین فرهنگ به منزله مجموعه عادات و آداب اجتماعی، جدایی ناپذیر است. به همین علت، هدف، مفهوم و روشهای آموزش و پرورش نیز به موازات تحول جامعه و فرهنگ، تحول می‌یابد و بنابراین باید با پیشرفت علم و تجربه، به طور دائم مورد بازنگری قرار گیرد. مثلاً چنان‌که همه می‌دانیم، این مفهوم طی ربع اخیر قرن بیستم بسیار گسترش یافته است و دیگر به دوره کودکی، تربیت آموزشگاهی، پرورش قوای معدودی مانند حافظه و نیز رابطه شاگرد و معلم محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر، اینك آموزش و پرورش از هر چهار راستای دیرینه خود یعنی سن، محیط تربیتی، قوای ذهنی و روابط عاطفی، بسیار گسترده‌تر شده و از این نظر به مفهوم فرهنگ و فرهنگ آموزی، بسیار نزدیکتر شده است. این چهار راستا را اندکی می‌کاویم:

۱- نخستین گسترش مفهوم آموزش و پرورش به سن کودکان و نوجوانان مربوط می‌شود، به این معنا که دوره زمانی آن از پایین و بالا طولانی شده است. از حدود يك قرن پیش، آموزش اجباری کودکان از ۶ سالگی آغاز شد؛ در حدود نیم قرن پیش، کودکان کمتر از ۶ سال نیز در مرکز توجه قرار گرفتند و اینک اگر گفته شود که آموزش و پرورش از زمان تولد آغاز می‌شود، کسی تعجب نخواهد کرد. این روند، نتیجه پژوهشهای روانشناسان و پی بردن به اهمیت سالهای نخستین زندگی در رشد شخصیت است. از سوی دیگر، سن پایان آموزش و پرورش نیز بالاتر رفته و در کشورهای پیشرفته گاه تا ۲۰ سالگی ادامه می‌یابد.

۲- گسترش دیگر مفهوم آموزش و پرورش، آن است که دیگر منحصر به کار آموزشگاهها یا مدارس نیست؛ بلکه بر عکس، بخش مهمی از آن در محیط بیرون از کلاس و مدرسه و به شکل شرکت در انواع فعالیتهای جمعی، فرهنگی، پرورشی و تحقیقاتی بروز می‌یابد.

۳- گسترش دیگر به قوای انسان مربوط می‌شود. سابقاً در اغلب نظامهای آموزشی، حداکثر به تقویت هوش و حافظه توجه می‌شد؛ اما اینک خواسته می‌شود که آموزش و پرورش به همه زمینه‌های زندگی کودک، از جمله مهارتهای عملی، خلاقیت‌های اکتسابی و احساسات او نیز گسترش یابد.

۴- گسترش دیگر، مربوط به فرایندهای تربیتی و روابط عاطفی کودک است، به این معنی که آموزش و پرورش دیگر صرفاً تعامل میان شاگرد و معلم نیست؛ بلکه حوزه‌های دیگری از قبیل خانواده، دوستان، رسانه‌های جمعی و ... نیز در این رابطه نقش دارند.

با توجه به آنچه گفته شد، رابطه متقابل آموزش و پرورش با فرهنگ و رشد فرهنگی جوامع امروز، بیش از پیش آشکار می‌شود و بیراه نیست اگر ادعا کنیم که اینک یکی از شاخصهای رشد و توسعه کشورهای پیشرفته، میزان رشد و توجه آنها به زمینه‌های متفاوت آموزش و پرورش، از شیوه‌های تدریس و افزایش مهارت‌های علمی و عملی کودکان ... تا پی افکندن فضاهایی سازگار و متناسب با روحیه و ادراک آنها است که پیداست معماری چه نقشی در این زمینه دارد.

نمونه‌های بسیاری از نقش روزافزون معماری در بارور ساختن جسم و روح کودکان و نوجوانان وجود دارد و حتی نمونه‌هایی مبنی بر این که چگونه عدم اختصاص فضاهایی متناسب و شایسته به امر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، به جمود، خمودی و حتی بزهکاری آنان منجر شده است ... و مجدداً با فعال شدن و بهسازی فضاهای زیستی آنان، زندگی به ایشان بازگشته است. همراه با گزارشهایی از واقعیت‌های تلخ زندگی نابسامان برخی از این کودکان و نوجوانان، چند نمونه از مجتمعات آموزشی و فرهنگی موفق جهان را از نظر می‌گذرانیم:



مراکز کودکانی: احساس امنیت و پناه

امشب بین ۳ تا ۵ میلیون کودک آمریکایی گرسنه به خواب می‌روند، فردا ۱۴ کودک آمریکایی زیر ۱۹ سال به علت خودکشی یا قتل خواهند مرد، و امسال یک میلیون دختر نوجوان آمریکایی باردار خواهند شد؛ ارقامی که از موارد مشابه در هر کشور صنعتی جهان بیشتر است. در سال ۱۹۷۰ از هر ۷ کودک آمریکایی زیر ۳ سال، یک کودک «فقیر» محسوب می‌شد. امسال این رقم به یک کودک در هر ۴ کودک افزایش یافته است و در گروه‌های اقلیت ساکن در آمریکا، یک کودک در هر دو کودک است. در این کشور، تعداد طلاق‌های رو به افزایش و فروپاشی روزافزون خانواده‌ها، به شکلی غیرقابل باور و کنترل ناپذیر، موجب کاهش میزان مراقبت از کودکان و افزایش بیش از پیش تعداد کودکان بزهکار شده است.

امروزه ۲۵ درصد کودکان آمریکایی در خانواده‌های تک سرپرسته زندگی می‌کنند که از رقم مشابه در سال ۱۹۶۰ ده درصد بیشتر است. در سال ۱۹۹۱، تعداد کودکانی که در این کشور وارد پرورشگاه شدند، نسبت به سال ۱۹۸۷ سی درصد افزایش یافت و در سال ۱۹۹۲، ۲/۹ میلیون مورد سوءاستفاده و خشونت اعمال شده بر کودکان در این کشور گزارش شد. بنابر گزارشی دیگر، روزانه سه کودک آمریکایی بر اثر بدرفتاری و خشونت، جان می‌دهند.

همان‌گونه که این ارقام و مطالعات گواهی می‌دهند، کودکان آمریکایی رو در روی آینده‌ای بسیار دشوار قرار دارند و این مسیری است که در

بسیاری از دیگر کشورهای صنعتی، توسعه یافته یا رو به توسعه نیز وجود دارد و دیر یا زود به وقوع خواهد پیوست. به این ترتیب، ارائه سرنوشتی روشن برای نسل فردا آسان نیست.

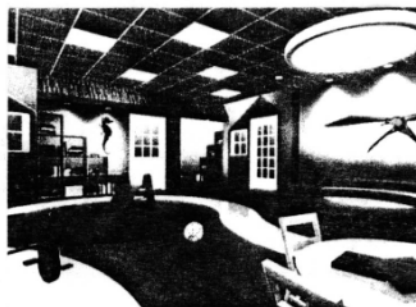
اخیراً دولت ایالات متحده، بودجه‌های ویژه‌ای را به تقویت مراکز بهداشتی مدارس، کنترل وضعیت اجتماعی دانش‌آموزان و واکسیناسیون کلیه کودکان این کشور اختصاص داده است؛ اما چرخهای این تدابیر به کندی می‌چرخند، در صورتی که نیازهای کودکان رانمی‌توان به انتظار نگاه داشت. راه دیگر، تاسیس انجمنهای غیرانتفاعی از قبیل مراکز روان‌درمانی، مراکز کودکیاری و موسسات تربیتی ویژه کودکان و نوجوانان است که در موارد بسیاری پاسخگوی بحرانها و مشکلات حاد کودکان بوده‌اند. پروژه‌هایی همچون انواع کودکانستانها، پرورشگاهها، مدارس با شیوه‌های جدید تدریس، خوابگاههای دانش‌آموزی، مراکز تربیتی کودکان و نوجوانان و غیره روز به روز بیشتر مطرح می‌شوند و توجه تعداد بیشتری از معماران را به خود جلب می‌کنند. از دیدگاه ملی، این پروژه‌ها آنقدر هدفدار و مهم هستند که طراحی آنها می‌بایست از عشق و تعهد به این کار برخیزد.

یکی از قدیمی‌ترین مراکز کودکیاری ایالات متحده، «انستیتوی بین‌المللی کودکان» در لس‌آنجلس است که از نوزادان و کودکانی که از والدین بدرفتار خود جدا شده‌اند، حمایت می‌کند. این مرکز که توسط معمار معروف Barton Myers طراحی شده، دارای بخشهای متنوعی برای تربیت کودکان و آموزش والدین آنها است و تاکنون در متحد ساختن دوباره خانواده‌های فروپاشیده، نقش بسیار موثری ایفا کرده است.

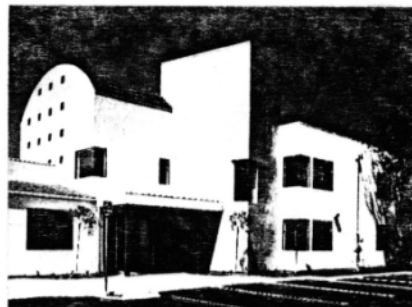
یکی دیگر از این موسسات، مرکز خانوادگی Richstone طراحی شده توسط مهندسین مشاور Siegel Diamond است که عملکردی مشابه انستیتوی بین‌المللی کودکان دارد، اما امکانی برای اقامت ارائه نمی‌کند. این مرکز که در جنوب لس‌آنجلس در محله‌ای با مردمانی عمدتاً کم‌درآمد و چندنژادی قرار دارد، فقط از یک سالن دو طبقه با سقف قوسی تشکیل شده که محیطی گرم و دوستانه برای انواع جشنها و اجتماعات است. عملکرد این مرکز، موید آن است که حمایت از کانون خانواده و کودکان بی‌پناه، لزوماً نیازمند تشکیلات گسترده و امکانات فوق‌العاده نیست. یک سالن کوچک و چند گردهم‌آیی صمیمانه نیز می‌تواند زندگی بسیاری را دگرگون کند. اصولاً این طرح، شباهت چندانی به یک خانه یا پروژه‌های کودکانه معمول ندارد. خانم Kate Diamond طراح این پروژه می‌گوید: «اینجا یک خانه دیزنی‌لند مانند با نرده‌های سفید نیست. اغلب کودکان در خانه‌های خود در معرض رفتارهای سوء قرار گرفته بودند و تلقی مثبتی از فضاهای مشابه خانه نداشتند. بنابراین ما می‌بایست محیطی منحصر به فرد ایجاد می‌کردیم که دارای ویژگیهای خاص خود باشد. ویژگیهایی که آن را به پناهگاهی امن و جدا از زندگی روزمره تبدیل کند».

از سوی دیگر، طرحهای کاملاً منزل‌وار خانم Susan Maxman برای انجمن خیریه Childhelp USA در کالیفرنیا، نتیجه‌ای بسیار مناسب و مطلوب دربرداشت. این طرح شامل تعدادی کلبه چوبی با سقفهای شیب‌دار، گذرهای عابر پیاده، مسیرهای دوچرخه‌رو و یک مدرسه ابتدایی است که فضایی گرم و دوست‌داشتنی پدید می‌آورد. خانم Maxman معتقد است: «بچه‌ها باید بتوانند به تصاویر یک کتاب داستان نگاه کنند و بگویند: من در یک شهر این شکلی زندگی می‌کنم». این انجمن تلاش

بسیاری می‌کند تا محیطی مناسب و در خور برای کودکان بی‌پناه این شهرک فراهم آورد. هر کودکی که وارد این شهرک می‌شود، دوچرخه‌ای دریافت می‌کند و در کلبه‌ای اقامت می‌گزیند. سر و وضع این کودکان همواره تمیز، لباسشان همواره نو و سرویسهای غذاخوری آنها متشکل از بشقابهای چینی و لیوانهای شیشه‌ای است، یعنی درست نقطه مقابل بسیاری از تشکلهای دیگر.



انستیتیوی بین‌المللی کودکان



مرکز خانوادگی Richstone



شهرک کودکان انجمن Childhelp USA

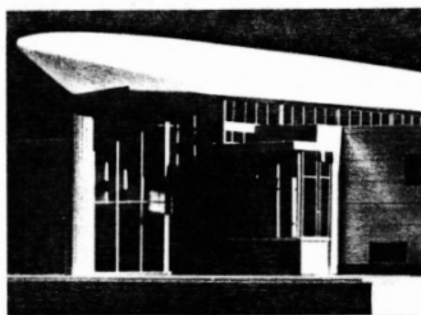
مراکز تربیتی: هدایت به کانونهای فرهنگی / هنری

مطالعات نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از بزرگسالانی که بچه‌ها را مورد سوء استفاده یا بدرفتاری قرار می‌دهند، خود در کودکی، قربانی رفتارهای سوء بوده‌اند. متأسفانه به شکلی روز افزون و اجتناب ناپذیر، کودکانی که با بدرفتاری و خشونت بزرگ می‌شوند، از خود خشونت بیشتری بروز می‌دهند: اخیراً کودکی ۱۰ ساله در Detroit به علت قتل مادر سه فرزند به دارالتادیب سپرده شده، نوجوانی ۱۵ ساله در Iowa به جرم آدم ربایی و قتل دوست ۱۷ ساله‌اش محکوم به حبس ابد شده و ... طبق آمار، از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، بازداشت نوجوانان زیر ۱۸ سال در ایالات متحده، ۴۷ درصد افزایش داشته است.

یکی از مراکز تربیتی موفق در ایالات متحده، موسسه SEI در شهر Portland واقع در ایالت Oregon است که توسط مهندسین مشاور Yost / Grube/ Hall / Johnson به صورت یک ساختمان بزرگ با نمایی از بتن و شیشه و سقف قوسی طراحی شده و هدف آن، پرورش و تربیت کودکان و نوجوانان و هدایت آنها از خیابانهای مملو از جنایت و مواد مخدر به سوی مدارس و کانونهای فرهنگی / هنری است. این موسسه به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شود و شامل یک آمفی تئاتر ۳۰۰ نفره، چند کلاس درس، یک مرکز درمانی، یک مرکز مددکاری و یک آشپزخانه بزرگ برای آموزش آشپزی است. مدیر این موسسه، خانم Nels Hall می‌گوید: «این ساختمان، نماد بهسازی محله خود است. قرار است چراغهای SEI شبها نیز روشن بماند و به این ترتیب، هم فعالیت بیشتری داشته باشد و هم امکانی برای حفاظت از محله ارائه کند. این مرکز هیچگاه نباید بسته

باشد و به هیچ وجه نمی‌بایست ظاهری مسلح و دژ مانند را القا کند». این نظرات کم و بیش در مورد تمامی مراکز مشابه صدق می‌کنند.

اداره مرکزی جدید موسسه تربیتی Latino Youth Development در شهر New Haven واقع در ایالت Connecticut نیز ادعا و هدفی مشابه مورد قبل دارد. این موسسه که به ارائه انواع خدمات پیشگیری از اعتیاد، مشاوره‌های خانوادگی و برنامه‌های پس از مدرسه در جامعه لاتین New Haven می‌پردازد، توسط Charles Swanson طراحی شده است. مالکان این موسسه قبلاً از شکسته شدن سطوح شیشه‌ای وسیع این بنا نگران بودند؛ اما در کمال تعجب نه تنها پنجره‌های آن پس از گذشت یک سال کماکان سالم است، بلکه دیوارهای بتنی آن نیز هنوز به شعار یا نوشته‌ای آلوده نشده است. مدیر اجرایی این موسسه، آقای Denis Halt در این باره می‌گوید: «ما در این شهر، تنها موسسه فرهنگی اسپانیایی هستیم که مالکیت ساختمان خود را داریم و این تاثیر بسیار مثبتی بر اهالی نهاده است. مردم ما را جزئی از خانواده و فرهنگ خود می‌دانند و ما نیز همواره برای نزدیک شدن به آنها می‌کوشیم».



موسسه SEI



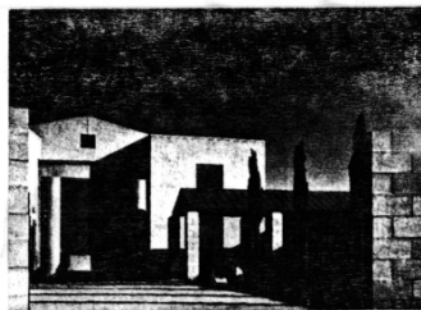
موسسه LYD

مراکز اجتماعی در مدارس: نزدیک شدن به والدین

از دیگر فضاهای اندیشیده شده برای پاسخگویی به مشکلات و نیازهای کودکان و نوجوانان، می‌توان به مراکز اجتماعی در مدارس اشاره کرد که طیف وسیعی از برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و فرهنگی را دربرمی‌گیرند. برای مثال، موسسه Intermediate School 218 که از شراکت یک دبیرستان دولتی و یک موسسه خدمات اجتماعی به وجود آمده، مرکزی برای ارائه انواع خدمات اجتماعی و مددکاری در یکی از محلات مهاجرنشین و پر از جرم شهر واشینگتن است که شامل دو کلینیک پزشکی و دندانپزشکی، واحدی برای مددکاری و حل بحرانهای خانوادگی، مرکز مراقبتهای پیش و پس از مدرسه و حتی کلاسهای زبان، خیاطی و کامپیوتر برای بزرگسالان است. موسسه Stanley M. Makowski در نیویورک، نمونه دیگری است که شامل مراقبتهای خارج از مدرسه، کلاسهای آموزشی برای بزرگسالان، کودکان، کلینیک نوزادان، مرکز خدمات اجتماعی و مرکز کاردرمانی است. همچنین می‌توان از کار خلاقانه شرکت مهندسين مشاور Dougherty در Santa Anna واقع در ایالت کالیفرنیا نام برد که در مدرسه ابتدایی Garfield، فضایی برای تشکیل جلسات محلی ایجاد کرد و در محدوده‌ای که گروههای خیابانی در سراسر آن پراکنده بودند و فاقد هرگونه ساختمانی با کاربری عمومی بود، تحول چشمگیری را پدید آورد.



موسسه Intermediate School 218



موسسه Stanley M. Makowski

- جلب حمایت‌های مالی و معنوی کلیه ارگانها، ادارات و وزارتخانه‌های ذیربط از سویی و از آن مهمتر، مشارکت با بخش خصوصی و سرمایه‌های مادی و کمک‌های معنوی مردم از سوی دیگر

- تاسیس مدارس و مجتمع‌های آموزشی، فرهنگی و هنری نمونه به عنوان الگو و مبنای عینی استانداردهای موردنظر، چه از دیدگاه تحصیلی و آموزشی و چه با هدف پرکردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان به شکل شایسته

- بهره مند شدن از همکاری شهرداریها بویژه در واگذاری زمین‌های مناسب و مستعد به منظور احداث مجتمع‌های نمونه

- مشارکت جدی و عملی چهار نهاد پایه‌ای و عمرانی ذیربط در پی افکندن فضاهای آموزشی و پرورشی مناسب برای کودکان و نوجوانان: وزارت آموزش و پرورش با تهیه و تدوین استانداردهای لازم و اساسی، جامعه معماران و شهرسازان با تهیه و تدوین طرحها و زیرساختهای فنی و هنری مناسب، شهرداریها با واگذاری زمین و بالاخره بخش خصوصی با احداث و تخصیص سرمایه لازم برای تاسیس مجتمع‌های نمونه

گروه بین‌المللی ره‌شهر تا کنون ۳۳ نشریه با عناوین زیر منتشر

کرده است:

- ۱- کاربرد جدید شیشه در نمای ساختمان (تابستان ۱۳۷۱)
- ۲- پارکینگ مراکز تجاری (پائیز ۱۳۷۱)
- ۳- محافظت در مقابل زلزله (زمستان ۱۳۷۱)
- ۴- جمع آوری و دفع زباله و مسائل ناشی از آن (زمستان ۱۳۷۱)
- ۵- طرح اسکان و سریع (زمستان ۱۳۷۱)
- ۶- مجموعه مقالات راجع به ژئوسنتز (بهار ۱۳۷۲)
- ۷- مهار آب با آب (بهار ۱۳۷۲)
- ۸- تحول سبز در معماری (بهار ۱۳۷۲)
- ۹- روندیابی و مدیریت سیلاب (بهار ۱۳۷۲)
- ۱۰- مطالعات اقتصادی جهت احداث مراکز خرید (تابستان ۱۳۷۹)
- ۱۱- نگاهی کوتاه بر طراحی فضای سبز - "تجربیات کشورهای مختلف" (تابستان ۱۳۷۲)
- ۱۲- بازیافت آب در صنایع شن و ماسه‌شوئی (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۳- بناهای چوبی (کنده‌ای) در ایران و تجربیات کشورهای دیگر (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۴- نکاتی در مورد طراحی ساختمان‌های بتنی پیش‌ساخته پیش‌تنیده در مناطق زلزله‌خیز (پائیز ۱۳۷۲)
- ۱۵- اتوماسیون و بهینه‌سازی در سیستم‌های توزیع الکتریکی (زمستان ۱۳۷۲)
- ۱۶- انرژی دریاها (زمستان ۱۳۷۲)
- ۱۷- پارکینگ‌های مکانیکی اتوماتیک و نیمه اتوماتیک (بهار ۱۳۷۳)
- ۱۸- انرژی باد (بهار ۱۳۷۳)
- ۱۹- اصول طراحی ساختمان‌های اداری و بانکها (بهار ۱۳۷۳)
- ۲۰- انرژی خورشیدی (بهار ۱۳۷۳)
- ۲۱- طراحی مرکز خرید- جلد اول: مطالعات مقدماتی جهت طراحی مراکز خرید (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۲- شهر سالم با آمورتون (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۳- شهر سالم - کاربرد سیستم‌های فتوولتائیک از میلی وات تا مگاوات (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۴- شهر سالم- اصول طراحی برای افراد دارای کهولت، ناتوانی، اختلال و معلولیت (تابستان ۱۳۷۳)
- ۲۵- نسل چهارم نیروگاه‌ها (پائیز ۱۳۷۳)

۲۶- بازیافت آب در صنایع نساجی (پائیز ۱۳۷۳)

۲۷- مراکز درمانی و بیمارستان‌های آینده (پائیز ۱۳۷۳)

۲۸- شهر سالم-انبوه‌سازی (انبوه‌سازان اسکان) (زمستان ۱۳۷۳)

۲۹- سیستم‌های مدیریت بار و مدیریت انرژی در شبکه‌های انرژی الکتریکی

(زمستان ۱۳۷۳)

۳۰- بازیافت آب - "تصفیه پساب صنایع لبنی" (بهار ۱۳۷۴)

۳۱- شهر سالم - صنعت چوب و کاغذ و نقش آن در فرهنگ، اقتصاد و سیاست

(بهار ۱۳۷۴)

۳۲- صرفه‌جویی انرژی در ساختمان‌های مسکونی (بهار ۱۳۷۴)

۳۳- شهر سالم- معماری و پرورش فکری کودکان و نوجوانان (تابستان ۱۳۷۴)